

جلسه سوم شرح صدر

«شرح صدر موهبت الهی است»

۱- شرح صدر را خدا می دهد

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم «وَلَقَدْ
أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ
يَبْسًا لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تَخْشَى * فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ
مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ * وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ»^۱

موضوع بحث ما در هفته های گذشته درباره ی شرح صدر بود
که معنای شرح صدر را عرض کردم و اینکه باید شرح صدر از

۱ - سوره طه، آیه ۷۷ - ۷۹.

جانب پروردگار باشد این هم توضیحی دادم. فعلی که انسان خودش بخواهد انجام بدهد همان تزکیه نفس است. اگر تزکیه نفس را انسان صحیح انجام داد خدای تعالی هم او را در مراحل تقوا پیش می‌برد و هم شرح صدر به او عنایت می‌فرماید. اگر کسی راه‌های سیر و سلوک را پیمود و شرح صدر نداشت معلوم است که یک نقصی در راه تزکیه نفس و مراحل تزکیه نفس دارد. پنج آیه در قرآن شریف در خصوص شرح صدر بیان شده است که یکی از آن آیات هم درباره‌ی شرح صدر به ایمان نیست ولی کلمه‌ی شرح صدر در آن گفته شده که می‌فرماید: «وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ

غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ» کسی که به کفر شرح صدر داشته باشد
غضب پروردگار بر او خواهد بود، «وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۲
عذاب بسیار عظیمی خدای تعالی برای او منظور فرموده ولی
در تمام مراتب دیگر شرح صدر که چهار آیه هست خدا شرح
صدر را به خودش نسبت می دهد.

مثلاً «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ»^۳ کسی
که شرح صدر داشته باشد درباره ی اسلام و خصوصیات که
از ناحیه اسلام به او داده می شود نوری از طرف پروردگارش به
او عنایت شده و این نور همان نوری است که در آیه الكرسی
هست که می فرماید کسی که ولیش خدا باشد «يُخْرِجُهُمْ مِنْ

۲ - سوره نحل، آیه ۱۰۶.

۳ - سوره زمر، آیه ۲۳.

الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۴ ولایت پروردگار را قرار برای خودش بدهد
«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» خدا آن کسی است که ولی کسانی است
که ایمان آورده‌اند، ولایت هم همان طوری که عرض کردم به
معنی فرماندهی با محبت است. این معنا را درباره‌ی پروردگار
انسان بدانند که خدا فرمانده او هست و او هم ولی الله هست.
فرمانبردار خدا، کسی که این طوری باشد «يُخْرِجُهُمْ مِنَ
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» آن شخص را خدا از ظلمات به نور می‌برد
و از ظلمات خارج می‌کند. در اینجا هم «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ
لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ» نوری از طرف پروردگار برای او
قرار می‌دهد، بنابراین این نور چیست؟ باید ببینیم که چکار

ما باید بکنیم تا شرح صدری برای اسلام پیدا کنیم و به خاطر
شرح صدرمان خدا ما را به نور برساند. یا در آن آیه‌ی شریفه
«اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۵ از
ظلمات به نور خدا چگونه انسان را می‌برد و می‌رساند خیلی
مطلب واضح است.

کسی که دوران تزکیه نفس را بگذراند از همان لحظه‌ای که
ولایت پروردگار را پذیرفت، یقظه‌ای به او دست داد، تصمیم
گرفت که به هیچ وجه گناه نکند، تصمیم گرفت که واجباتش
را صحیح و درست و اوّل وقت انجام دهد، خدای تعالی ولی
این شخص هست «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» از هر

۵ - سوره بقره، آیه ۲۵۷.

ظلمتی او را خارج می‌کند. ما الان در ظلمت‌های مختلف
هوای نفسیم، هر هوای نفسی که بر ما تسلط پیدا می‌کند
مطلقاً یک نوع ظلمتی است. ظلمت یعنی ندانستن حقیقت،
یعنی جهل، یعنی راه بلد نبودن، ظلمت فقط تاریکی نیست.
تاریکی را به این جهت ظلمت گفته‌اند که انسان راه را پیدا
نمی‌کند. شما وارد یک اتاق تاریک اگر شدید هر چه
می‌خواهید یک چیزی را پیدا کنید موفق نمی‌شوید مخصوصاً
اگر آن چیز بسیار ظریف و دقیق باشد. شما اگر بخواهید یک
چنین چیزی را در ظلمت پیدا کنید حتماً باید یک چراغی
روشن کنید. یک نوری داشته باشید اگر می‌خواهید آن نور را

داشته باشید که حقایق اسلام را خوب درک کنید که می‌فرماید: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ»^۶ کسی که شرح صدر داشته باشد برای اسلام او در نور است یعنی چراغ دارد. عیناً این مطلب است که بگوییم: آن کسی در اتاق تاریک می‌تواند آن چیز ظریف و دقیق را پیدا کند که با نور وارد بشود، با چراغ وارد بشود، چراغ داشته باشد ولی وای بر کسی که «فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^۷ آن کسی که دلش قساوت دارد، تاریک است، هوای نفس دارد، هر چه می‌خواهد همان را می‌کند نه آنچه خدا می‌خواهد آن را بکند این شخص «أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ اللَّهُ» ببینید چقدر روشن

۶ - سوره زمر، آیه ۲۳.

۷ - سوره زمر، آیه ۲۳.

مطلب را بیان کرده. این ها گمراهند، شخصی که چراغ ندارد وارد ظلمت شده این شخص هر چه بگردد آن چیز دقیق را پیدا نمی کند، آن چیز ظریف را پیدا نمی کند. حقایق قرآن بسیار دقیق و ظریف است. حکمت الهی بسیار ظریف و دقیق است. آنقدر ظریف و دقیق است که وقتی کامل از علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال می کند: «مَا الْحَقِيقَةُ؟»^۸ حضرت در جواب او می فرماید: «مَا لَكَ وَالْحَقِيقَةُ» تو را چه به حقیقت، تو که آن چراغی را که باید داشته باشی نداری، اگر وارد اتاق تاریک شدید با یک چراغ نفتی هم نمی شود بعضی چیزهای ظریف را پیدا کرد. «أُظْفِ السِّرَاجَ فَقَدْ طَلَعَ الصُّبْحُ»

۸ - مناهج أنوار المعرفة فی شرح مصباح الشریعة، ج ۲، ص ۴۸۳ و ۴۸۴.

باید یک نوری قوی تر از نور خورشید بتابد تا بتوانید حقایق را درک کنید. با سهولت و سهل انگاری نمی توانید حقیقت را درک کنید. می بینید در آخر همان حدیث امام علی^{علیه السلام} این جمله را فرمود: «أُظْفِ السِّرَاجَ» چراغت را خاموش کن، آن چراغ نفتی که تو برداشتی و سوسو می زند تو نمی توانی سوزن مثلاً با آن پیدا کنی، تو نمی توانی حقایق ظریف را از قرآن بفهمی، باید شرح صدری انسان داشته باشد نوری از جانب پروردگار به او برسد با نور حرکت کند تا بتواند حقیقت را درک کند.

ما همه مان دوست داریم دل هایمان مملوّ از حکمت الهی بشود، همه مان می خواهیم که این دل هایمان پر از حقایق باشد. حقیقت را درک کنیم، یکی از حقایق این است که

انسان تحمّل داشته باشد در مقابل ناملايمات، نه اينکه از حيوانات هم پست تر باشد. بعضی از حيوانات بهتر از انسان ها در ناملايمات دنيا تحمل می کنند و انسان نمی تواند تحمل کند. نمی خواهم در اين خصوص توضيح زيادی بدهم ولی اين را بدانيد که شرح صدر از جانب خداست آنچه که شما وظيفه داريد که انجام بدهيد و طبعاً در کنارش به مرور و با تحمّل زياد به وجود می آيد تقوا و شرح صدر است. تقوا را عرض کردم به مجرد اينکه گفتيد: من تصميم می گيرم هيچ گناهی نکنم، واجباتم را انجام بدهم يک مرحله از تقوا را انجام داده ايد. يک مرحله هم از شرح صدر را انجام داديد.

۲- نشانه‌های وجود شرح صدر

انسان شرح صدر اگر نداشته باشد نمی‌تواند در این زمان بخصوص که همه جا گناه هست او ترک گناه بکند و واجباتش را صحیح انجام بدهد و بلکه دقت کند که چه چیز اولی است - انسان به اینجا می‌رسد - که چه چیز اولی است آن را انجام بدهد، دوتا کار مستحب در مقابل شما قرار گرفته، یکی مستحب است یکی محبوب‌تر است نزد ذات مقدس پروردگار از این یکی، شما شرح صدرت به جایی می‌رسد که می‌نشینی حساب می‌کنی که آیا این کار را بکنم یا آن کار؟ هوای نفس چون در کار نیست، مراحل تزکیه نفس را گذرانده‌ای، جهاد با نفس کرده‌ای، هوای نفس نداری می‌گویند: این که بهتر است و خدا بیشتر دوست دارد آن را

انجام می‌دهم. نمازت را در منزل راحت، لباس‌هایت را در می‌آوری بدون تشریفات می‌خوانی، بسیار خوب واجبی را انجام دادی اما نماز جماعت در مسجد یک دست و پاگیری طبعاً دارد، با لباس باید باشی، مؤدب باشی، رعایت اجتماع بکنی، طبعاً مشکلاتی دارد اما یک کسی که شرح صدر برای اسلام دارد این می‌نشیند حساب می‌کند نماز در خانه یک ثواب دارد ولی نماز با جماعت اگر ده نفر بیشتر این جماعت بودند اگر جنّ و انس بخواهند ثوابش را بنویسند قدرت ندارند، اینجا چکار می‌کنی؟ می‌گویید: من حال رفتن به جماعت ندارم؟ ابداً، تو چرا این طور باید باشی؟ هوای نفس که نداری، بنده‌ی خدا هستی، پس اشکال کارت چیست؟ اشکال کارت این است که شرح صدر نداری، آمادگی برای

تَحْمَلُ مشقّات برای جلب رضایت پروردگار نداری، محال است یک کسی نماز جماعت مثلاً- اینها را از باب مَثَل عرض می‌کنم- مثلاً بتواند نماز جماعت بخواند و در منزل به خاطر تنبلی که دارد نماز فردای بخواند و دارای شرح صدر باشد، اینجاها معلوم می‌شود شرح صدر چیست.

۳- در دو مرحله تزکیه نفس، شرح صدر ایجاد می‌شود

از کجا این شرح صدر به وجود می‌آید؟ از دو مرحله از مراحل تزکیه نفس اول استقامت، تو معلوم است ضعیف هستی، الان نفس اماره‌ات تو را به کشتی گرفته و به زمینت زده و نماز واجب را در خانه بدون جماعت می‌خوانی. این یک.

دوم: صراط مستقیم، راه راست. درست است نماز فردی خواندن هم در راه راست است اما اگر همین طور پیش برود یعنی همین گونه که تو با این هوای نفس و تبعیت از هوای نفس و بی‌اعتنایی به ثواب پروردگار همین طوری اگر پیش بروی کم کم ممکن است «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ»^۹ هی می‌آید جلو.

۴- راه مقابله با وسوسه‌های شیطان

هر وقت وسوسه‌ی شیطان به شما متوجّه شد توی ذهنی باید به او بزنید، نه اینکه بگویید حالا این اشکالی ندارد من

۹ - سوره روم، آیه ۱۰.

هماهنگم، یکی دوتا از چیزهایی که اشکال ندارد به تو پیشنهاد می‌کند، تو را هماهنگت می‌کند، یک مرتبه به زمینت می‌زند در مقابل کارهای مهم. ما خیلی افراد را دیدیم در اوائل مراحل تزکیه نفس خیلی جدّی، قوی ولی به خاطر تنبلی، به خاطر همین که همین طور کارها را با سستی انجام داده‌اند رفته رفته آنچنان شیطان مسلّط بر او شده که حساب ندارد. شما اگر بخواهید یک نفر آدم فعّال بسیار متحرّک را آرامش کنید، آرام آرام جلو می‌روید، در حیوانات این طور است. یک اسب چموش، اسبی که حاضر نیست تحت فرمان انسان باشد این را کم کم می‌روند جلویش، دستی به سرش می‌کشند بعد سوارش می‌شوند. این مثال برای افراد اهل تزکیه نفس خوب نیست ولی از باب مثال اشکالی ندارد

که گفته‌اند: در مثل مناقشه‌ای نیست. وقتی که بخواهد شمایی که جدی با کمال جدیت دارید در راه تزکیه نفس پیش می‌روید شیطان می‌آید بعضی کارها را پیشنهاد می‌کند، آقا این کار مستحب است، می‌بینید راست می‌گوید، شیطان آمد به حضرت ابراهیم گفت: بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» حضرت ابراهیم گفت: تو شیطانی، هیچ وقت به من نظر خیری نداری، این گفته‌ات و این دستورت مقدمه‌ی کاری است که آن مطلوب من نیست. لذا نمی‌گویم، الان نمی‌گویم، الان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را نمی‌گویم!

یک دوستی داشتیم در قم، او خودش نقل می‌کرد - راست و دروغش هم به عهده‌ی خودش - ایشان می‌گفت که یک صدایی هر شب می‌آمد به گوش من که بلند شو فلان کس

فلان گرفتاری دارد رفعش کن، می‌رفتم می‌دیدم اتفاقاً همین طور است، تا حدوداً ده شب بیشتر کمتر، یک شب به من گفت فلانی کافر شده، مرتد شده، یکی از علماء را می‌گفت: برو او را همین امشب به قتل برسان، فلان جا هم هست، تنها هم هست هیچ کس هم نمی‌فهمد، به او گفتم که معلوم شد همه‌ی این مقدمات برای امشب بوده، افراد باهوش این طور هستند. این یکی را من وظیفه ندارم، علاوه بر اینکه مستحب نیست، علاوه بر اینکه مکروه هم نمی‌شود گفت هست، بلکه یک فعل حرامی است «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ»^{۱۰} من را می‌خواهی به جهنم ببری، لذا نرفتم، گفت: پس من هم

۱۰ - سوره نساء، آیه ۹۳.

دیگر از تو خدا حافظی می‌کنم، این معنی تودهن زدنِ شیطان است. الهاماتتان، وسوسه‌هایی که به شما می‌شود برای همه‌ی افراد من معتقدم همان طوری که خواب خوب و بد هست مکاشفه‌ی خوب و بد هم هست، مشاهده‌ی خوب و بد هم هست، سروش - به اصطلاح اهل معنی عرض می‌کنم - سروش خوب و بد هم هست. سروش همان صداهاهایی است که به گوش آدم می‌رسد، همه‌ی این‌ها برای همه کس هست. بعضی‌ها توجه ندارند، متوجه‌ی مسائل نیستند، حواسشان آنقدر پرت است که نه الهام را می‌فهمند، نه وحی را حتی می‌فهمند، نه وسوسه را متوجه می‌شوند، یک آدمی هستند بروند روز تا شب غذایی برای خودشان وزن و بچه‌شان تهیه کنند، شب بخورند، اگر خوابشان نبرد با یک قرص مثلاً

آرامش بخش بخوابند، صبح هم بلند شوند بروند باز سر کار، یک عده این طوری هستند، امّا یک عده حواسشان جمع است. آمده خدمت حضرت زکریا که خدا به تو بشارت می دهد که تو دارای فرزندی خواهی شد، گفت: «رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً» خدای یک نشانه‌ی برای من بگذار، من بینم این حرف درست است یا نه؛ فرمود: «آيُكَ إِلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا»^{۱۱} نشانه‌اش این است که زبان پیغمبر را شیطان دیگر نمی تواند ببندد، نشانه‌اش این است که تو سه روز نمی توانی صحبت کنی مگر با اشاره، ببینید چقدر دقیق هستند اولیاء خدا، یک نشانه‌ای بده، تو آمدی در قلب من،

۱۱ - سوره آل عمران، آیه ۴۱.

در دین من نشسته‌ای، اگر خدا هستی، اگر فرستاده‌ی خدا هستی باید نشانه‌ای داشته باشی، علامتی داشته باشی. خدمت حضرت مریم می‌آید آن روح مقدّس و می‌گوید: من به تو بشارت می‌دهم که تو دارای فرزند خواهی شد، گفت: چطور من دارای فرزند می‌شود و حال اینکه «لَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ»^{۱۲} من را هیچ بشری تا به حال مسح نکرده، «قَالَ كَذَلِك» بله، تو همین طوری، ولی خدا گفته، حضرت مریم وقتی که دید خب کسی او را مسح نکرده و هیچ کار بدی نکرده این نشانه‌اش بود معلوم شد از جانب خدا است و خدای تعالی هم نشانه‌هایی پشت سر هم برای او قرار داد. اگر می‌خواهید در

۱۲ - سوره مریم، آیه ۴۷

صراط مستقیم باشید باید به این نشانه‌های الهی توجه کنید
و شرح صدر درباره‌ی این‌ها داشته باشید.

۵- نشانه‌های عدم شرح صدر

گاهی شده من بعضی‌ها را دیدم، همین دیشب یک جا
صحبت بود که می‌آیند استخاره می‌کنند تا این اندازه کم
شرح صدر هستند، دقت کنید آقا یک استخاره کن، استخاره
بد می‌آید. تو بلد نیستی استخاره کردن، قرآن را این طوری
می‌خواست بگیری با انگشت ناخن باید بلند باشد برود
لای صفحات قرآن! هزار طور اشکال می‌کنند، چرا؟ برای
اینکه تمام کارهایش را کرده، اگر می‌خواست ازدواج کند به

پسره قول داده، مجلسشان را تعیین کردند، حتی کارت عروسی را من یک مورد دیدم کارت عروسی را هم چاپ کرده می گوید: حالا برویم یک استخاره هم بکنیم، اینقدر هم شرح صدر ندارد که همه ی کارهایش را کنار بریزد حالا که بد آمد.

من اصلاً خودم زیاد استخاره نمی کنم و معتقدم که استخاره را باید اولاً خود انسان بکند و بعد هم باید بعد از فکر کردن روی مسأله اگر هیچ طرف ترجیح نداشت، مشورت با اهلش بکند، باز هم راهی پیدا نکرد، پنجاه پنجاه کنار هم ایستاده، بکنم یا نکنم. این جا اسلام می گوید: معطل نشو. یک استخاره بکن، اینجا جای استخاره است، نه اینکه تو عاشق این کاری، همه ی کارهایت را هم کردی و همه طور هم خوبی هایش را سنجیدی، حالا روی هوای نفس یا برای خدا،

این جا اصلاً جای استخاره نیست. یک جوانی یک وقتی سر نماز بودم به من گفت: استخاره کن، من استخاره کردم خوب آمد، رفت چون خوب را زود می روند حالا اینجا اتفاقاً اشتباه بود ظاهراً نیت کرده بود که برود خودش را معرفی بکند اگر معاف می شود از سربازی خوب بیاید، رفته بود خودش را معرفی کرده بود و گرفته بودنش برای سربازی، بعد از چند ماه برای من نامه نوشت که من با آن استخاره ی شما که من هم فراموش کرده بودم از دینم رفتم بیرون! ببینید شرح صدر وقتی انسان ندارد این طوری است. وقتی بی حساب کار می کند این طوری است. اولاً استخاره غیب گویی ندارد، آینده را برای تو روشن نمی کند این را بدانید. برای همین الان این کاری که می خواهی بکنی خوب است یا بد است این ممکن است،

ثانیاً چه ارتباطی دارد دین به این استخاره، تو نمی خواسته اینجا استخاره کنی، برخلاف میلِت کاری انجام بشود. من نامه‌ای برایش نوشتم چون دیدم من ممکن است او را به گمراهی کشانده باشم و این مسائل را برایش بحث کردم.

۶- لزوم داشتن شرح صدر برای قوانین اسلام

آقایان همه‌ی کارها باید روی حساب دین باشد، «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ»^{۱۳} شرح صدر برای قوانین اسلام باید داشته باشید، نگویید: من این کار را نمی‌پسندم یا عملاً و یا قولاً، خانم‌ها بگویند: ما این حجاب را در اسلام نمی‌پسندیم! مثلاً.

۱۳- سوره زمر، آیه ۲۲.

یک مردی در نامه‌ای برای من نوشته بود در همین هفته‌ی گذشته که الان یادم آمد که چه اشکال دارد اهل تزکیه نفس تمیز باشند، مرتّب باشند، محاسنشان را از ته بزنند، صورتشان زیبا باشد حالا نمی‌دانم چه کسی گفته که صورت مرد باید مثل صورت زن زیبا باشد، چه اشکالی دارد؟ ببینید شرح صدر برای اسلام معنایش این است، من نمی‌دانم چه اشکالی دارد، اشکالش این است که گفتند: نکن، اشکالش این است که خدا در صورت مرد موقرار داده و اگر کوسه در بیاید بعضی‌ها هستند اصلاً از اول موی صورتشان در نمی‌آید آنقدر خودشان را می‌خواهند بکشند که چرا ما کوسه شدیم. این اشکالش چیست؟ اشکال اینکه مگر نمی‌شود انسان تمیز باشد و ریش هم داشته باشد؟ مگر نمی‌شود انسان

مرتب باشد، مگر موی سر شما که همه متفقید که باید مرد و زن مو داشته باشند مو مایه کثافت است پس موی سرتان را هم خانم‌ها موی سرشان را از ته بتراشند، آقایان هم بتراشند همان طوری که بعضی از ورزشکارها سر و صورت را می‌تراشند، بعضی‌ها هم ورزشکار نیستند و تقلید از آن‌ها می‌کنند و ای وای بر ما که تقلید از بازیگر و ورزشکار و امثال این‌ها روی جهلمان بکنیم.

من رسماً از یکی پرسیدم: چرا سرت را این طور تراشیدی؟ چون برای جوان کراحت دارد سرش را بتراشد برخلاف آنچه که شاید شنیده باشید، گفت: فلان ورزشکار که من نشناختمش یعنی من یادم نمانده اسمش، سرش را تراشیده، فقط همین! چه زمانی می‌شود که ما بگوییم: چون پیغمبر این کار را کرد ما

هم می‌کنیم. این معنی شرح صدر در اسلام است. علی بن ابیطالب علیه السلام این کار را کرد ما هم می‌کنیم. فاطمه‌ی اطهر علیها السلام این کار را کرد ما هم می‌کنیم. همه‌ی کارهای بد را کرده آمده به من می‌گوید: فلان کس که در بین دوستان شما هست با من مخالف است، ببینیم چرا مخالف است؟ برای اینکه آن کارهایی که من می‌کنم می‌گوید: نکن، کارهای بد‌ها! کارهایی که از نظر ما هر کدامش یک اشکالی دارد، که من محبت‌م به آن شخصی که شکایت از او شده بیشتر شد. آخر بیا یک مقداری به اسلام توجه کنیم و شرح صدرمان را مطابق اسلام قرار بدهیم.

این سینه‌مان را، این روحمان را، این قلبمان را آنقدر بازش کنیم که همه‌ی حقایق اسلام در آن وارد بشود. حقایق اسلام،

نه اینکه اسماً مسلمان باشیم، حقایقش، حقایق اسلام از اعتقادات گرفته تا احکام، خدا می‌داند گاهی دیده شده و ان شاء الله شماها هم اگر جدی باشید هر کدامتان جدی‌تر باشید بهتر متوجه می‌شوید که بعضی وقت‌ها برای بعضی از احکام اسلام یک شرح صدری بعضی‌ها دارند که حکمت در آن وارد شده است. می‌نشیند کلی فلسفه و کلی حکمت برای یک حکمی از احکام اسلام می‌گوید. که اصلاً شاید بعضی از علمایی که اهل شرح صدر برای اسلام باشند ندانند. یک چیزهایی می‌فهمد از نماز که همه نمی‌فهمند، یک چیزهایی درک می‌کند از نماز که همه متوجه نمی‌شوند. از روزه یک چیزهایی درک می‌کند که دیگران روزه می‌گیرند شاید بیشتر هم مقید باشند که نماز مغرب و عشاءشان را هم مثلاً

بخوانند بعد روزه‌شان را افطار کنند. یا در حال مریضی هم روزه می‌گیرند ولی آن‌ها متوجّه نمی‌شوند. پس کسی که خدا شرح صدر به او عنایت می‌کند به خاطر تزکیه نفس «فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ» این با نوری است از جانب پروردگارش و وای بر کسی که دلش قاسیه باشد، قساوت گرفته باشد، از ذکر خدا «أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»

۷- فرق شرح صدر حضرت موسی و فرعون

می‌بینید در اولین آیه‌ای از سوره‌ی «انشراح» خدای تعالی می‌فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»^{۱۴} و در این آیات هم

۱۴ - سوره انشراح، آیه ۱.

حضرت موسی از خدا تقاضا می کند که شرح صدر به من عنایت کن و هر دو آیه از جانب خدا نشان می دهد که شرح صدر باید باشد، «وَلَقَدْ أُوحِيَنا إِلَى مُوسَى» به حضرت موسی خدا وحی کرد «أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي» بندگانم را شبانه سیر بده، حرکتشان بده، «فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقاً فِي الْبَحْرِ يَبَساً»^{۱۵} یک راهی برای آنها در دریا به وجود بیاور که دریا هم خشک باشد. پایشان فرو نرود توی گل و لای، «لَا تَخَافُ دَرْكاً وَلَا تَخْشَى» خب اینها حرکت کردند رفتند در آن دریا وارد شدند آب های دریا دو طرفشان همین طور بالا می رفت و پایین می آید ولی وسط نمی ریخت. اینها عجیب است. ولی

فرعون چه گفت؟ «قَاسِيَهُ قُلُوبُهُمْ» بعضی‌ها دلشان قساوت گرفته هر چه معجزه می‌بینند هیچ تکان نمی‌خورند. چند تا معجزه تا حالا فرعون دیده، عصای موسی اژدها شده، ید بیضاء شده، اینجا دریا خشک وسط راه مثل آسفالت که دارد وقتی پای اسب‌ها می‌خورد به زمین صدا می‌کرد اینقدر خشک شده بود، فرعون گفت: این از کرامات من هست! برویم، ما هم پشت سر این‌ها برویم، حضرت موسی و اصحابش وقتی که بیرون آمدند و فرعون پشت سر آن‌ها رفت «فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ»^{۱۶} این‌ها را فراگرفت، آب ریخت بهم، از کرامات آقا همین بود که این دیواره‌های آبی به هم

بریزد. این‌ها در دریا غرق شدند. خدا می‌گوید «وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَ مَا هَدَى»^{۱۷} ببینید فرعون قومش را گمراه کرد، چرا؟ به خاطر اینکه دلش قساوت داشت. شرح صدر نداشت. حضرت موسی شرح صدر داشت هر دو تایشان در یک دریا، در یک راه وارد شدند یکی هدایت می‌کرد مردم را، یکی گمراه می‌کرد. یکی از آب سالم بیرون آمد یکی از آب سالم که بیرون نیامد غرق هم شد.

۱۷ - سوره طه، آیه ۷۹.

۸- تشابه مسلمانان با بنی اسرائیل

حالا «يَا بَنِي إِسْرَآءِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ»^{۱۸} یا بنی اسرائیل، خدا به بنی اسرائیل کاری ندارد الآن، آن‌ها همان پیروان فرعون شدند الآن، همان ظلم‌هایی که فرعونیان به بنی اسرائیل می‌کردند در آن وقت این‌ها حالا به مسلمان‌های فلسطین در این وقت می‌کنند. این یا بنی اسرائیل یعنی ای پسران کسی که برکت گرفته‌اید از خدا، «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^{۱۹} من و علی دو پدر این امتیم، یا بنی اسرائیل اگر با چشم شرح صدری به آن نگاه کنیم در تفاسیر هم دارد تأویلش این است که ای پسران پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله

۱۸ - سوره طه، آیه ۸۰.

۱۹ - بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۹۵، باب ۶.

و علی بن ابیطالب علیه السلام، «قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ» مخصوصاً نسبت به ما مردم روز به روز خدا دارد از غرق شدن، از هلاکت لا اقل شما مردم را نجات می دهد، «مِنْ عَدُوِّكُمْ» الان اگر یک مقداری فکر کنید همه تان تقریباً حالا اگر همه نباشند اکثریت این طوری بوده که به دام شیطان مبتلا بودید، از دشمنتان نجاتتان داده، «وَاعْذَنَّاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ» شما را به جانب طور ایمن دعوتتان کرده، طور ایمن کجا هست؟ «كَلِمَةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»^{۲۰} طور ایمن شما مسلمان ها توحید است. «وَلَايَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»^{۲۱} این

۲۰ - بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۲۳.

۲۱ - عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۶.

دوتا هر دو یک حرف را می‌زنند ولایت علی و توحید حصن
حصین پروردگار است همان طور ایمن ما هست. «وَنَزَّلْنَا
عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى»^{۲۲} خدا برکاتش را بر شماها نازل کرده.
خدا می‌داند اگر حتی پنجاه سال قبل را اگر زندگی‌های
کسانی که پنجاه سال قبل زندگی می‌کردند در همین مجلس
هستند، یکیش خودم. ببینید چه طوری زندگی می‌کردند، نه
آب لوله کشی داشتند، نه نظافت‌های معمولی حالا را
داشتند، حالا فرض کنید هفتاد سال قبل، نه یک وجب
آسفالت داشتند، نه برق داشتند، نه این همه وسائل امروز را

۲۲ - سوره طه، آیه ۸۰.

داشتند که بعضی‌هایش با ناشکری‌های ما اسباب دردسر شده، این‌ها را نداشتند. خدا بر شما منّ و سلوی نازل کرد.

«كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ»^{۲۳} از هر چه که خدا به شما عنایت کرده بخورید، کسی نگفته چیزی نخورید، غذای خوب بخورید، «مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» اما به شرطی که روزیتان شده باشد، دزدی نکنید. مال دیگران را نخورید، همه جور پول در بانک دارید می‌گویید: این خمسم را باشد من باصطلاح دست‌گردان بکنیم ماهی اینقدر بیایم بدهم! نباشد. خیلی حواستان جمع باشد که از آن چه که خدا روزیتان کرده بخورید، «وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ» طغیان نکنید در آن چه

۲۳ - سوره طه، آیه ۸۱.

که خدا به شما روزی کرده، «فَيَحِلُّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي» اگر زیاده روی کردید، اگر اسراف کردید، اگر مال حرام خوردید، اگر توجّه به مال دیگران نکردید «وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي» حلال می شود غضب پروردگار برای شما، خدا به شما غضب می کند و کسی که غضب پروردگار بر او متوجّه بشود «فَقَدْ هَوَى»^{۲۴} از بین رفته.

۲۴ - سوره طه، آیه ۸۱.

۹- رابطه شرح صدر با تزکیه نفس

ولی خدای تعالی خیلی مهربان است، می‌فرماید: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»^{۲۵} «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ» اگر کسی توبه بکند من غفارم، «لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا» من با گذشتم، برای چه کسی؟ برای کسی که توبه بکند، هر چه زودتر به مسأله‌ی توبه‌تان توجه کنید و مرحله‌ی دوم تزکیه نفس را که در واقع می‌شود گفت مرحله‌ی اول تزکیه نفس است این را عمل کنید «وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا» آن وقت «ثُمَّ اهْتَدَى» سپس در مراحل تزکیه نفس هدایت بشوید تا شرح صدر به شما عنایت بشود.

۲۵ - سوره طه، آیه ۸۲.

تا برسید به مرحله‌ی محبت، چون انسان استقامت باید داشته باشد، صراط مستقیم باید داشته باشد تا محبتش به خدا زیاد بشود. آنچنان محبت به خدا دارد حضرت موسی، با قومش حرکت کرده برود به میقات، رفاقت را بهم می‌زند، جلو می‌دود، می‌رود تند نسبت به آن جایی که قرار شده با خدا حرف بزند. خدا می‌فرماید: «وَمَا أَغْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى»^{۲۶} چرا تو عجله کردی از قومت جدا شدی و زودتر آمدی؟ «قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَيَّ أَثَرِي» آن‌ها پشت سر دارند می‌آیند، «عَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى» خدایا ما را این طوری قرار بده. من عجله کردم برای اینکه تو را بیشتر ببینم، برای اینکه

بیشتر با تو حرف بزنم. من زودتر آمدم توی صف جماعت
نشستم که آمادگیم را بیشتر به تو نشان بدهم. من زودتر بلند
شدم نماز شب بخوانم که بفهمانم به خودم که من با خدا
مأنوسم، «وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى»^{۲۷}

خدایا به آبروی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام
مراحل تزکیه نفس را به ما بفهمان و شرح صدری به ما
مرحمت کن تا بتوانیم آن گونه که تو رضایت می دهی، تو
دوست داری، تو نوری در قلبمان قرار می دهی ما به آن مرحله
برسیم و مثل حضرت موسی که «وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى»

۱۰- فعالیت‌های امام سجّاد علیه السلام برای احیای دین

ایام عزای خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است. به روایتی شب بیست و پنجم این ماه شهادت امام سجّاد علیه السلام است. امام سجّاد علیه السلام خدا نگهش داشت چون امام طبعاً مریض نباید بشود ولی روی مصالحی که مصالحش هم معلوم است می‌خواهم شرح بدهم خودش طول می‌کشد، خدای تعالی روز عاشورا فقط هم همان یکی دو روزی که در کربلا بودند حضرت مریض شد، کسالت ایشان و تب ایشان شدید بود به طوری که نمی‌توانست از جا بلند بشود. حتی به حضرت سید الشهداء علیه السلام عرض کرد: آقا من یک عصا بردارم، یک شمشیر بردارم به جنگ این مردم بروم، حضرت فرمود: نه خدا جهاد را از تو برداشته. امام سجّاد علیه السلام را نگه

داشتند برای اینکه مردم را روشن کند، مردم را معرفت‌شان را بالا ببرد. به مردم بفهماند که پدرم حسین بن علی چرا کشته شد؟ و چه نحوه کشته شد؟ سه کار امام سجّاد علیه السلام در زمانی که امامت داشتند و اکفر بنی امیه در رأس کار بود حضرت انجام می‌دادند.

۱- یکی رابطه‌ی من و شما را با خدا برقرار کردند. به وسیله‌ی صحیفه‌های سجّادیه، یک صحیفه‌ی سجّادیه در بین ما معروف است ولی هشت صحیفه‌ی سجّادیه هست که بعضی جمع کرده بودند ما خودمان هم یک مقدارش را جمع کردیم. ارتباط با خدا، با خدا چگونه حرف بزنیم. خود این خیلی مسأله مهمی است، ارتباط با خدا داشتن، «يَا مَنْ تُحَلُّ

بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ»^{۲۸} ببینید چقدر قشنگ با خدا حرف زده، شما صحیفه‌ی سجادیه را اگر بخوانید متوجه می‌شوید که چقدر حقایق و علوم در این کتاب ریخته شده است. از آینده، یادم است یکی از دانشمندان غیر مسلمان گفته بود که امام سجاد حتماً با عالم غیب مرتبط بوده، با حقایق مرتبط بوده، چرا؟ به خاطر اینکه در دعاهايش وقتی که نفرین می‌کند آن دشمنان اسلام را می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَامْرِجْ مِياهُمْ بِالْوَبَاءِ»^{۲۹} خدایا مخلوط کن مرض وبا را، میکروب وبا را در آب‌شان، این شخص می‌گوید اگر می‌گفت که خدایا طاعون را در آب‌شان داخل کن ما می‌فهمیدیم امام سجاد از سرایت

۲۸ - دعای هفتم صحیفه سجادیه.

۲۹ - دعای بیست و هفت صحیفه‌ی سجادیه.

مرض وبا و میکروب مرض وبا اطلاعی نداشته. تنها چیزی که زیاد مؤثر است برای شیوع وبا آب است. «اللَّهُمَّ وَامْرُجْ مِياهُمْ بِالْوَبَاءِ» در ضمن دعا حقایق را بیان می‌کند، حقایقی که بعد از هزار سال بعد برای بعضی از دانشمندان غربی که شاید از همین جا الهام گرفته بودند باز شده.

۲- یکی دیگر از کارهای امام سجاد علیه السلام این بود که برده‌های کافر را می‌خرید زیاد، می‌آورد در منزل، این‌ها را تربیتشان می‌کرد مسلمانشان می‌کرد به مرحله‌ی عبودیت کامل می‌رساندشان، بعد این‌ها را آزاد می‌کرد که همان‌ها باعث شدند ریشه‌ی بنی‌امیه برکنده بشود. سعید بن مصیب می‌گوید: من دیدم همه آمدند دعای باران خواندند باران نیامد، روز بعدش یک غلام سیاهی آمد سرش را گذاشت به

زمین، گفت: خدایا تو گفתי بکن کردم، من هم می‌گویم یک بارانی بیاید دیدم فوراً باران آمد. عقب سرش را گرفتم ببینم این کیه، کجا می‌رود دیدم رفت خانه‌ی امام سجاد علیه السلام. این طور تربیت می‌کرد! تا این حد! چند روز مانده بود به ماه رمضان تمام بشود حضرت این‌ها همه را صدا می‌زد می‌گفت شماها این کارها را کردید یک کار شما بکنید تا من هم - این طوری تربیت می‌کرد - یک کار شما بکنید تا من هم از گناهان شما بگذرم. آن کار چیست؟ دست‌هایتان را بلند کنید از خدا بخواهید خدا گناهان امام سجاد را ببخشد. ببینید این‌ها جنبه‌ی تربیتی داردها! این‌ها دعا می‌کردند حضرت هم می‌فرمود: من هم شما را بخشیدم. یعنی چه؟ یعنی اگر می‌خواهید خدا شما را ببخشد «إِرحَمْ تُرحَم» رحم کن،

مهربانی کن تا مهربانی به تو بشود، روز عید فطر هم که می‌رسید همه را آزاد می‌کرد یک سرمایه‌ای هم به هر کدامشان می‌داد بروید مشغول کسب و کار بشوید.

۳- و یکی هم زنده نگه داشتن جریان کربلا بود که حضرت هر جا می‌رسید یادی از ابا عبد الله الحسین علیه السلام می‌کرد. می‌دید گوسفندی را سر می‌برند، سرش را به دیوار می‌گذاشت. می‌فرمود: پدر من را بال تشنه شهیدش کردند. به عروسی دعوتشان کرده بودند حضرت فرمود: من بعد از جریان کربلا در مجلس شادی نمی‌روم، گفت: آقا جان ما مجلس مان مجلس شادی نیست. ما یک باصطلاح کسی را دعوت می‌کنیم می‌آید همان مصائب کربلا را برای ما بازگو می‌کند. حضرت فرمود: اگر این طوری است پس من می‌آیم. «السَّلامُ عَلَیْكَ یا

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ
اللَّهُ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ
الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ».

«نَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ وَ نَدْعُوكَ بِأَعْظَمِ أَسْمَائِكَ وَ بِمَوْلَانَا صَاحِبِ
الزَّمَانِ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ» خدایا به
آبروی ولی عصر ارواحنا فداه فرج آن حضرت را برسان. همه‌ی
ما را از یاوران خوب آن حضرت قرار بده. قلب مقدسش را از
ما راضی بفرما. خدایا دین و دنیا و آخرت ما در پناه امام زمان
از خطرات حفظ بفرما. امراض روحی ما را شفا مرحمت بفرما.
پروردگارا به آبروی آقایمان حجه بن الحسن مریض‌های اسلام
را شفا عنایت بفرما. مریض منظور الساعه لباس عافیت

بیوشان. اموات مان غریق رحمت بفرما. شهدایمان با شهدای
کربلا محشور بفرما. عاقبت امرمان ختم بخیر بفرما. «وَعَجَّلْ
فِی فَرَجِ مَوْلَانَا»